



**Journal of Islamic Education Research**

Faculty of Literature and Humanities

Shahid Bahonar University of Kerman

Vol. 9, No. 1, Serial 15, 2023

---

**Conceptual Analysis of the Word "Os, i.e. Hardship" in the Glorious Qur'an for the Explanation of its Related Ultimate and Intermediate Goals<sup>1</sup>**

N. Shafiee Aporvari, Ph.D. Student, Department of Education, University of Shahid Bahonar, Kerman, Kerman, Iran. Naghme.sh69@yahoo.com<sup>2</sup>

H. Alavi, Ph.D. Department of Education, University of Shahid Bahonar, Kerman, Kerman, Iran. hralavi@uk.ac.ir

**Abstract:** The word "Os, i.e. hardship" has been intended in this research to investigate the concept of "Os, i.e. hardship" and clarify the intermediate goals related to the ultimate goal of "guidance". To this end, the word "Os, i.e. hardship" has been used, in the verses 6-7 (Talaq), 8 (Qamar), 180- 185 (Baqarah), 5-6 (Ensherah), 73 (kahf), 117 (Tawbah), 10 (Layl), 9 (Moddasser), and 26 (Forgan) were analyzed through applying linguistic or conceptual analysis method to extract the ultimate and intermediate related goals. The results of the research showed that the word "Os, i.e. hardship" can be analyzed via "including relationship" between the concept of "guidance" as the ultimate goal, and other aspects of ideological, religious, economic, social, and the intellectual, practical, and educational respects as the intermediate goals. In such of view, the intention of God from hardships and disasters of humans and even from the divine trials and afflictions is their guidance and transcendence. These hardships occur in different ways.

**Keywords:** "Os, i.e. Hardship", Guidance, Ultimate and Intermediate Goals, Linguistic and Conceptual Analysis .

---

<sup>1</sup>. Received: 18 June 2023 Revised: 18 August 2023 Accepted: 19 August 2023 Published online: 23 September 2023

<sup>2</sup>.Corresponding Author.

## مجله پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲

### تحلیل مفهومی واژه «عسر» در قرآن کریم به منظور تبیین هدف غایی و اهداف واسطی مرتبط با آن<sup>۱</sup>

نعیمه شفیعی اپورواری، دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.<sup>۲</sup>

[Naghme.sh69@yahoo.com](mailto:Naghme.sh69@yahoo.com)

سید حمیدرضا علوی، استاد فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

[hralavi@uk.ac.ir](mailto:hralavi@uk.ac.ir)

#### چکیده

فهم مسائل و مفاهیم قرآنی، تفهیم آنها و حقیقت پنهان‌شده امور در آن از دیرباز تا به امروز مورد توجه اندیشمندان بوده است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی مفهوم «عسر» و مشخص کردن اهداف واسطی ذیل هدف غایی «هدایت» است. بدین منظور، تمامی آیاتی که واژه «عسر» در آن‌ها به کار برده شده است، در آیات ۶ و ۷ سوره طلاق، آیه ۸ سوره قمر، ۲۸۰ و ۱۸۵ سوره بقره، ۵ و ۶ سوره شرح، ۷۳ سوره کهف، ۱۱۷ سوره توبه، ۱۰ سوره لیل، ۹ سوره مدثر و ۲۶ سوره فرقان با استفاده از روش تحلیل زبانی و مفهومی به منظور استخراج هدف غایی و اهداف واسطی تحلیل شده‌اند. نتایج پژوهش، حاکی از آن است که واژه «عسر» به صورت ارتباط اندراجی میان مفهوم «هدایت» به عنوان هدف غایی و سایر شئون اعتقادی، دینی، اقتصادی، اجتماعی و شأن فکری و عملی و تربیتی به عنوان اهداف واسطی قابل تحلیل است. از این منظر، هدف خداوند از سختی‌ها و مصائب پیش روی بشر و حتی آزمایش‌های الهی، هدایت و تعالی انسان است. این سختی‌ها به پهنای ساحات مختلف تربیت، جامعه‌های گوناگون به تن کرده و در شئون مختلفی ظهور می‌کنند.

**واژه‌های کلیدی:** عسر، هدایت، هدف غایی، اهداف واسطی، تحلیل مفهومی و زبانی.

<sup>۱</sup> تاریخ دریافت: ۲۸ خرداد ۱۴۰۲ تاریخ بازنگری: ۲۷ مرداد ۱۴۰۲ تاریخ پذیرش: ۲۸ مرداد ۱۴۰۲ تاریخ انتشار: ۱ مهر ۱۴۰۲

<sup>۲</sup> نویسنده مسئول

## ۱- مقدمه

انسان، موجودی کمال یافته نیست؛ اما در خلقت به گونه‌ای آفریده شده است که قادر است سیر اعلالین و یا اسفل السافلین داشته باشد؛ از این رو محتاج راهنمایی و رحمت الهی است<sup>۱</sup> (رستمی نسب، ۱۳۸۸: ۲۰۸). هدایت در قرآن، به عنوان هدف غایی ای است که گاه با واژه «رشد» بیان شده است. رشد در فرهنگ قرآن، به معنای توسعه یا نمو به کار نرفته و به مفهوم هدایت مورد استفاده قرار گرفته است که در مقابل «غی» (گمراهی) است (باقری، ۱۳۸۹: ۷۶). در تمام متون دینی، نیاز ذاتی انسان به رب العالمین و نیاز به هدایت انسان مدنظر است (رستمی نسب، ۱۳۸۸: ۲۰۹). به طوری که این هدایت باید مبتنی بر فطرت انسان باشد تا منجر به تربیت صحیح گردد (علوی، ۱۳۹۱: ۴۴). هدف مترتب بر تربیت نیز عبودیت است (علوی، ۱۳۹۱: ۱۳۲؛ باقری، ۱۳۸۹: ۸۱)؛ در پرتو تربیتی، معرفت یافته است که شادی و اندوه، موجب کمال انسان می شود و تحصیل چنین معرفتی، منجر به شناخت و معرفت انسان نسبت به حقیقت سختی ها و مشکلات می گردد. در چنین حالتی است که سختی ها و مصائب زندگی، بر اساس علم و حکمت خداوند برای تعالی و کمال بندگان چیزی جز زیبایی نخواهد بود. لذا تحمل رنج و سختی (اگر بتوان نام رنج و سختی) بر آن نهاد چیزی جز شور و شمع و شادمانی بر بنده خالص خدا نخواهد بود (علوی، ۱۳۹۱: ۱۶۸).

## ۱-۱- بیان مسأله

قرآن کریم، شر و خیر را عامل ابتلای آدمی معرفی می کند (انبیاء: ۳۵) و با قاطعیت به انسان ها اعلام می کند که قطعاً با انواع سختی ها نظیر ترس، گرسنگی و کاستی در اموال و اولاد (بقره: ۱۵۵) و به طور خلاصه، در اموال و انفس (آل عمران: ۱۸۶) مورد آزمون الهی واقع می شوند. همچنین قرآن از این حقیقت پرده برمی دارد که آیا مردم فکر می کنند همین که به زبان بگویند ایمان آورده اند کافی است و به حال خود رها می شوند و مورد امتحان خداوند قرار نمی گیرند (عنکبوت: ۲) و بالاتر از همه، این کتاب الهی، هدف و فلسفه خلق مرگ و حیات را این امر معرفی می نماید که خداوند، از طریق ابتلائات خاص خود، نیکورفتارترین آدمیان را مشخص سازد (ملک: ۲).

امیر مؤمنان علی (ع) نیز در نهج البلاغه این گونه می فرماید: «آن کس که از آزمایش ها و تجربه های خداوند سود نبرد، از هیچ پند و اندرزی سود نخواهد برد» (خطبه ۱۷۶) و همچنین با صراحت تمام اعلام می دارند: «خداوند هرگز به بندگان خود ظلم نخواهد کرد و از این نظر به آنان تأمین داده است؛ اما هرگز به آنان تأمین نداده که آنان را آزمایش ننماید» (خطبه ۱۰۳). آن حضرت، فلسفه چنین آزمایش هایی را با انواع سختی ها، آن می داند که پندپذیران پند گیرند و آن که از گناه می ترسد، از انجام کار خلاف باز ایستد (خطبه ۱۴۳) و تکبر، از قلب های انسان ها خارج گردد و آرامش در آن ها جایگزین شود (خطبه ۱۹۲). همچنین حضرت علی (ع) گرسنگی، مشقت و ناراحتی، امور خوفناک، انواع شدائد و گرفتاری ها را از جمله عوامل امتحان و آزمایش انسان معرفی می نمایند (خطبه ۱۹۲).

<sup>۱</sup> -اللَّهُمَّ تَبِّئْنِي عَلَى دِينِكَ مَا أَحْبَبْتَنِي وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ/ دعای روز جمعه

حضرت امام زین‌العابدین (ع) نیز در دعای هفتم صحیفه سجادیه از دشواری‌های زندگی و سختی‌های حیات که به قدرت و مشیت الهی برای انسان پیش می‌آیند یاد می‌کنند و فقط خداوند حکیم و مهربان را قادر به رفع سختی‌ها و بازشدن گره‌های فرو بسته معرفی می‌نمایند و بدین سبب است که می‌فرمایند انسان در سختی‌ها تو را می‌خواند و به تو پناه می‌جوید.

آیسخولوس (به نقل از هالیس، ۱۳۹۶) اعتقاد دارد که حکمت، فقط از درد و رنج نشأت می‌گیرد و شرافتی سطح بالاتر و عمیق را در زندگی ما به ارمغان می‌آورد. آلن دو باتن (۱۳۹۸) معتقد است که بسیاری از چیزهای زیبا، در هم‌نشینی با رنج، ارزش و اعتبار کسب می‌کنند. هالیس (۱۳۹۶) اضافه می‌نماید که بدون درد و رنج آگاهانه‌تر، هرگز قادر نخواهیم بود عمق یا معنا را پیدا کرده و هرگز واقعاً بزرگ نخواهیم شد و زندگیمان را تغییر نخواهیم داد. وی این مضمون را از یونگ مطرح می‌کند که به خصوص در وقایع ناگوار، کار خدا را می‌توان دید. مگان دیواین (۱۳۹۹) خلق مبتکرانه‌ترین آثار خود را مدیون لحظات حزن زندگی خویش می‌داند. فان دورزن (۱۳۹۶) احساسات بد را دقیقاً به اندازه احساسات خوب حائز اهمیت معرفی می‌کند و اعتقاد دارد که بدون رنج‌بردن، زندگیمان معنای کمی خواهد داشت. توماس مور (۱۳۹۸) زندگی بدون مشکل را توهمی بیش نمی‌داند.

هدایت به سمت و معنای خلقت ناظر است و هیچ خلقتی بی‌هدایت نیست<sup>۱</sup> (باقری، ۱۳۸۹: ۷۶). انسان نیز موجودی مسئولیت‌پذیر و مسأله‌دار است که زمینه‌های هدایت انسان در فرآیند شناخت مسایل و حل آن‌ها است و از این مسیر به آرامش می‌رسد. فراروی آدمی سختی و گرفتاری و آزمون‌هایی است که هدف از این مسایل، پشت سر گذاشتن آن‌ها و ملاقات نسیم آزادی، امنیت و آرامش است. انسان در تمام بحران‌های مراحل مختلف زندگی، خداوند را طلب کرده و از او مدد می‌گیرد؛ آنگونه که امام صادق (ع) خطاب به خداوند اظهار می‌دارند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ، وَالْفَرَجَ بَعْدَ الْكُرْبِ، وَالرِّخَاءَ بَعْدَ الشَّدَةِ» (رستمی‌نسب، ۱۳۸۸: ۲۰۸). از این رو مسایل و مشکلات پیش‌روی بشر، زمینه هدایت و رشد او را فراهم می‌کند. فرانکل (۱۹۹۲)، نظریه معنا درمانی خود را بر این اساس استوار کرد که داشتن هدف در زندگی به کشف معنا و معنی، آن هم در سخت‌ترین شرایط کمک می‌کند. علی‌رغم وجود بسیاری از عوامل دشوار و سخت در زندگی برخی افراد با یافتن معنی و هدف بالقوه حتی با وجود دشواری‌ها و رنج‌ها، زندگی آرامی را تجربه می‌کنند (Albaugh, 2003 : 594)؛ چنانچه ماهیت غایی رنج تلاش برای کشف معنا است (شریفی و رضایی، ۱۳۹۸: ۶۷). کاردینال جوزف برناردین (۱۹۹۷)، ایمان و معنویت را از جمله عواملی معرفی می‌کند که در زمان بیماری به او آرامش داد؛ تا جایی که وی بیماری خود را به عنوان یک «هدیه ویژه» توصیف می‌کند (Bernardin, 1997) دیدگاه هارپر (۱۹۹۲) اعتقادات معنوی در مواجهه با مشکلات و سختی‌ها و یافتن هدفی حقیقی، از اهمیت بالایی برخوردار است. سختی‌ها و مشکلات (بیماری‌ها)، عاملی برای تقویت رشد انسان به سوی معنویت است (Harper, 1992: 596) ایمان عاشقانه، بهترین پاسخ به رنج‌های بشری است (محمودی و دادبه، ۱۳۹۱: ۱۶۳). هلن (۱۹۹۹) ایمان به خدا را به عنوان روشی برای مقابله با

سختی‌ها معرفی می‌کند که موجب افزایش قدرت تحمل و عزت‌نفس می‌شود (Helen, 1999)؛ از طرفی، مواجهه با سختی‌ها و مشکلات، از عوامل اصلی رشد و تعالی و کمال انسان است؛ به طوری که سختی‌ها، از عوامل سوق-دهنده به سوی تحقق اهدافی است که برای وصول به آن‌ها خلق شده است؛ چنانکه اگر خداوند مانع بروز چنین سختی‌هایی برای انسان شود، در واقع مانع تعالی انسان شده است (علوی، ۱۳۹۲: ۱۹۴). بنابراین از منظر دین اسلام، رنج‌ها و مصائب، هدفمندند و دارای جنبه تربیتی و پرورشی هستند (موسوی، قرایی، رستمی و سید موسوی، ۱۳۹۶: ۲۱۰؛ صالحی، ۱۳۹۴) و زمینه کمال انسان را فراهم می‌کنند (محبتی و علی زمانی، ۱۳۹۱؛ علوی، ۱۳۹۲؛ علوی، ۱۳۹۱؛ گرامی، ۱۴۰۰؛ بابایی، ۱۳۹۴؛ رودگر، ۱۳۸۹؛ سلیمانی، ۱۳۹۲). بنابراین، این تحقیق، در صدد پاسخگویی به این پرسش است که هدف غایی و اهداف واسطی مرتبط با مفهوم «عسر» از منظر قرآن کریم چیست؟

## ۱-۲- پیشینه پژوهش

شریفی و رضایی (۱۳۸۹)، در پژوهش خود به نام راهبرد قرآن کریم و روایات در کاهش رنج‌های بشری به این نتیجه رسیدند که قرآن کریم با ارائه مفهوم خاص از رنج، این توانایی را دارند که معنای رنج‌های عظیم بشری را با وساطت ایمان به یک نظام مقدس، روحانی و هوشمند پیوند زند و آن را هدفمند سازند. در این پژوهش، بر ساختن معنا برای رنج‌ها در پیوند با مجموعه‌ای از متغیرهاست. این متغیرهای زنجیره‌ای، از ایمان به خدا و معاد شروع می‌شوند و با بهره‌گیری از متغیرهای میانجی‌ای چون توکل، صبر، جهاد و هجرت، به متغیر نهایی یعنی رستگاری و جلوگیری از بحران معنا می‌انجامد. در این پژوهش، سعادت دنیوی و اخروی انسان مبتنی بر هدف معینی است و همین هدفمندی، منجر به راهبرد غایی (ایمان به خدا و در نهایت رستگاری) خواهد شد. محمودی و دادبه (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای، مسأله رنج را از دیدگاه مولانا با نگاهی به مسأله شر بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مولانا در خصوص مفهوم رنج، به نوعی فعل رازگونه اعتقاد دارد که در پس قهرهای ظاهری، لطف حق نمایانگر و در پس لطف‌های ظاهری، رنج حقیقی نهان است. رنج حقیقی از دیدگاه مولانا، فراق از معشوق ازلی است که غفلت از این رنج، خود به رنج‌های دیگر خواهد انجامید. در نهایت، مولانا بهترین واکنش انسان به درد و رنج‌های زندگی را نگاه ایمانی قلمداد می‌کند که با بصیرت می‌توان رنج را معنادار ساخت. بنابراین، از راه درک معنای رنج حقیقی می‌توان راه را پیمود. از طرفی، رنج‌های دنیوی از این منظر انکار یا حذف نمی‌شوند؛ بلکه معنادار می‌شوند تا تحمل بر عاشق امکان‌پذیر و حلاوت‌آمیز گردد.

محبتی و علی‌زمانی (۱۳۹۱)، در پژوهش خود رنج، ایمان و معنا را از دیدگاه داستایفسکی بررسی کردند. از منظر داستایفسکی، رنج، عنصری ذاتی است که نه تنها وجود دارد بلکه برای سعادت آدمی ضروری است. رنج‌های مختلف چون رنج وجودی، رنج پوچی، رنج ناشی از فقدان ایمان به خدا و رنج ناامیدی، فقدان هدفی والا در زندگی را پررنگ‌تر می‌سازد. وی در آثارش، ایمان به خدا و ایمان به فناپذیری روح را عمل اصلی برطرف کردن آشفتگی‌ها، دل‌مردگی‌ها و افسردگی‌های ناشی از رنج موجود زندگی می‌داند.

سلیمانی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با نام تأملی در فلسفه سریان سنت آزمایش از دیدگاه قرآن؛ یکی از عام‌ترین سنت‌های الهی در قرآن را «آزمایش» می‌داند. وی در مقاله خود، اهداف خرد و کلان سریان سنت، ابتلا در تاریخ

تحلیل مفهومی واژه «عسر» در قرآن کریم به منظور تبیین هدف غایی و اهداف واسطی مرتبط با آن

را از منظر قرآن مجید بررسی کرده است. بر این اساس، سنت آزمایش در قرآن با دو هدف کلان «تمحیض و نمایاندن چهره مومنان واقعی» و اهداف خرد «تربیت بهترین انسان صالح، ساختن انسان مسئول و تاریخ‌ساز، رجوع به سوی خدا، قدرشناسی و بسترسازی هدایت» زیر مجموعه تمحیض و اهداف خرد «آشکار کردن مجاهدان، صابران و خائفان» در ذیل هدف کلان، نمایاندن چهره مومنان واقعی قرار می‌گیرد.

بابایی (۱۳۹۴)، در پژوهش راهبرد تربیتی آزمایش الهی در آیات قرآن، آزمایشات الهی را سنتی حتمی، قطعی و همگانی و دارای مراتب دانسته است. از منظر نویسنده، خداوند انسان را آفریده و هدفی را برای او تعیین نموده است که از طریق رابطه ربوبی حاصل می‌گردد. البته استعدادهای نهفته و بالقوه، معیار لیاقت و شایستگی نیستند؛ بلکه باید بر اساس آزمایش الهی به فعلیت برسند. با این توصیف، هدف و فلسفه آزمایش الهی، رساندن به قرب الهی؛ یعنی مربوبیت و عبودیت عبد بر اساس راهبرد تربیتی است.

موسوی، قرایی، رستمی و سید موسوی (۱۳۹۶)، در مقاله خود به بررسی تطبیقی ماهیت دنیا و پیوند آن با رنج در اسلام و آیین بودا پرداختند. علی‌رغم وجود شباهات میان اسلام و بودا، دین اسلام با وجود امتیازاتی چون هدفداری رنج و مصائب و هدفدار بودن وجود رنج و سختی در زندگی، مصائب و مشکلات و رنج‌ها را دارای جنبه تربیتی و پرورشی می‌داند تا زمینه سعادت و تکامل انسان را فراهم کند، حال آنکه در آیین بودا، رهایی از رنج، در گرو مرگ است؛ امتیاز دیگر دین اسلام این است که منشأ رنج‌ها و مصائب، اراده غالب و قاهری است که بر اراده انسان غالب است و چنانچه انسان اراده خود را با خواست و اراده پروردگار هماهنگ کند به مقام رضا رسیده از رنج رهایی می‌یابد.

گرامی (۱۴۰۰)، در پژوهش خود، به نقد نظریه رنج‌مندی انسان با تأکید بر تحلیل آیه چهارم سوره بلد دلیل قرآنی، عقلی و وجدانی رنج طبیعی و مستمر انسان را به تفکیک بیان کرده و راهبردهایی ارائه می‌دهد. راهبردهای بیان‌شده در این مقاله، به شرح زیر است؛ ۱- تفکیک مفهوم «مبتلا بودن به رنج» از «در معرض رنج بودن» و در نتیجه استثنابودن رنج در زندگی؛ ۲- امکان جمع بین رنج و لذت در زمان واحد با غلبه کمی لذت‌ها به جهت گستردگی رحمت و فضل الهی؛ ۳- جمع بین رنج و لذت و غلبه لذت‌ها با توجه به ارزش‌گذاری کیفی آن‌ها و غلبه کیفی لذت زندگی و حیات بر همه رنج‌های عرضی.

Harper (1992) طی یک مطالعه پدیدارشناسی توانست از طریق آموزه‌های کتاب مقدس برای مرگ معنی و هدفی خاص پیدا کند؛ به اعتقاد وی، اعتقادات معنوی، در مواجهه با مشکلات و سختی‌ها، منجر به یافتن هدفی حقیقی می‌شود. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مصاحبه‌شوندگان، سختی و مشکلات را به عنوان یک زنگ بیدارباش برای روشن شدن آنچه واقعا در زندگی مهم است معرفی کرده‌اند. عده‌ای معتقد بودند سختی‌ها و مشکلات هم برای مومنان و هم برای غیر مومنان رخ می‌دهد که عاملی برای افزایش معنویت و رشد شخصی است. عده‌ای نیز زندگی را دارای هدفی و رای امور ظاهری معرفی کرده‌اند. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «سختی‌ها و مشکلات، عاملی بود تا دوباره ریشه‌هایم را به یاد بیاورم و به جایی که باید باشم برگردم و در قلبم احساس تعهد کنم، سختی برایم نوعی بیداری بوده است؛ اینکه از خود پیرسم واقعا به کدام سمت گام برمی‌داری؟ به کدام سمت

می‌روی؟ همین شکاف‌های زندگی مرا به گذر از جایی که هستم ترغیب کرد» (p.596)؛ از این رو، اتفاقات و سختی‌ها برای انسان‌های صالح نیز رخ می‌دهد؛ اما چرا؟ چون ما باید در باران و آفتاب یک مسیر را طی کنیم و شاد باشیم.

Helen.K.Black (1999) در مطالعه ۵۰ زن سالخورده آفریقایی - آمریکایی که در فقر زندگی می‌کردند به این نتایج دست یافت. ایمان زنان فقیر و سالخورده به خداوند به عنوان روشی برای مقابله با سختی‌هاست که تحمل و عزت نفس آن‌ها را افزایش می‌دهد. دو مفهوم تقابل و آشنایی با خدا، از مضامین استخراج‌شده این پژوهش است. بدین معنا که زنان بر این باورند که از ارتباط و شراکت با خدا لذت می‌برند و متقابلاً خداوند ایمان آن‌ها را با برکات متقابل پاسخ می‌دهد؛ چه در دنیا و چه در آخرت. برای این افراد، خداوند چون یک دوست شخصی است که هر نفر را از نزدیک می‌شناسد و به طور خاص به او اهمیت می‌دهد. در روایات زنان، عمل متقابل و آشنایی با خداوند موجب رهایی از ناامیدی می‌شود؛ زیرا آنان معتقدند سختی و مشقت آنان جزئی از برنامه الهی است که در زندگی دنیوی و اخروی موجب ثواب و رشد آن‌ها خواهد شد.

### ۱-۳- روش پژوهش

یکی از روش‌های مورد استفاده در محدوده تعلیم و تربیت اسلامی، بهره‌گرفتن از روش تحلیل زبانی و مفهومی است. با توجه به اینکه نمونه مورد نظر، با استفاده از تحلیل متون اسلامی انجام پذیرفته، می‌توان آن را نمونه‌ای از تحلیل در زبان رسمی و فنی محسوب نمود؛ زیرا بررسی مفهوم تربیت در دیدگاه خاصی، یعنی دیدگاه اسلامی مورد نظر است (باقری، سجادیه و توسلی، ۱۳۸۹: ۱۷۲). در این نمونه بررسی‌ها، شیوه‌های گوناگونی برای تحلیل وجود دارد که یکی از آن‌ها تحلیل بر حسب شبکه معنایی است. در این شیوه، بعضی از واژه‌ها به سبب معنای مرتبط و قرباتی که با دیگر واژگان دارند، همانند شبکه‌ای به هم پیوسته ظهور می‌کنند (ایزوتسو، به نقل از باقری، سجادیه و توسلی، ۱۳۸۹: ۱۷۹). لازم به ذکر است که برقراری این شبکه معنایی می‌تواند به صور گوناگونی باشد که ارتباط اندراجی در این پژوهش مد نظر است. در این نمونه از ارتباط که به دلیل سلسله مراتبی بودن، آن را اندراجی می‌نامیم، برخی مفاهیم در ذیل مفهومی دیگر قرار می‌گیرد و بعد یا ابعادی از آن را تشکیل می‌دهند. در این نوع ارتباط، یگانگی مفهوم بالا به گونه‌ای است که نسبت به مفاهیم زیرین جامع‌تر است. در این شیوه، تفسیر و تحلیل کلمات و مفاهیم، مشخص کردن رابطه اندراجی یک مفهوم با مفاهیم دیگر مد نظر است. فرض بر آن است که یک مفهوم، دارای ابعاد یا جنبه‌های مختلفی است که هر یک از آن‌ها توسط یک مفهوم خاص بیان شده است. مشخص کردن رابطه اندراجی، موجب تفصیل یافتن فهم ما نسبت به یک مفهوم می‌گردد و ابعاد یا جنبه‌های مختلف آن را آشکار می‌کند (باقری، سجادیه و توسلی، ۱۳۸۹: ۱۸۰). در پژوهش پیش‌رو، از روش تحلیل تفسیری میدان معنایی با تاکید بر شیوه اندراجی در مفهوم سختی، آیاتی که کلمه «عُسْر» در آن‌ها کاربرد داشته است مورد تحلیل و تفسیر و بررسی قرار گرفتند. بدین منظور آیات ۶ و ۷ سوره طلاق، ۵ و ۶ سوره شرح، ۲۸۰ و ۲۸۵ سوره بقره، ۸ سوره قمر، ۷۳ سوره کهف، ۱۱۷ سوره توبه، ۱۰ سوره لیل، ۹ سوره مدثر و ۲۶ سوره فرقان با بهره‌گرفتن از شیوه تحلیل

تحلیل مفهومی واژه «عسر» در قرآن کریم به منظور تبیین هدف غایی و اهداف واسطی مرتبط با آن

شبکه معنایی (اندراجی) ذیل مفهوم گسترده تری که می تواند از نمونه اهداف غایی در تربیت اسلامی باشد بررسی شدند.

برخی از واژگان قرآنی به گونه ای به کاررفته اند که ناظر بر اهداف هستند؛ یعنی نشانگر وضعیت هایی در ارتباط با انسان ها است که باید متحقق شود. بررسی این واژه ها آشکار می سازد که حیطه آن ها، با مفاهیم دیگر از جهت وسعت و ضیق، منطبق بر هم نیست (باقری، ۱۳۸۹: ۷۳). در بیان اهداف، لازم به ذکر است اهدافی که نسبت به یکدیگر ارتباط عرضی دارند می توانند در جوار یکدیگر واقع شوند؛ چرا که از نوعی استقلال نسبت به یکدیگر برخوردار هستند؛ اما اهدافی که نسبت به هم ارتباط طولی دارند، نمی توانند در کنار یکدیگر و مستقل از هم در نظر گرفته شوند؛ بلکه هدفی در طول اهداف دیگر قرار گرفته است که همواره با همه آن ها همراه است. بنابراین، اهدافی که هم عرض هم واقع می شوند، اهداف واسطی و اهدافی که در طول و بالای اهداف دیگر قرار می گیرند اهداف غایی نامیده می شوند (همان: ۷۴-۷۵). باید گفت یکی از مهم ترین واژگانی که وضعیت نهایی یا اهداف غایی را نشان می دهد واژه «هدایت» است. باقری (۱۳۸۹) نیز در بیان اهداف غایی «هدایت و رشد» را از نمونه اولین اهداف غایی مطرح می کند (همان: ۷۶). بنابراین در این پژوهش، با در نظر گرفتن هدف غایی «هدایت انسان» در متن مورد بررسی، با تحلیل واژه «عسر» به معنای سختی و مشقت مشخص می گردد که انواع سختی های پیش روی انسان، زمینه ساز هدایت و رشد او را فراهم می کند.

#### ۱- ۴- یافته های پژوهش

در ارتباط با انسان، هدایت در دو مرحله صورت می گیرد: نخستین معنا «نمودن» راه است. در این نوع هدایت، راه و بیراه، شناسانده می شود و تمیز فجور و تقوی فراهم می آید که این هدایت، تنها مشمول هدایت رسولان و هدایت فطری است چرا که در هر دو، «نمودن» راه انجام می پذیرد؛ اما نوع دیگر «پیمودن» راه است. هادی در این معنا، کسی نیست که راه را نشان می دهد بلکه کسی است که راه را برود و یا هدایت شونده را به دنبال خود ببرد. هدایت از نوع غایی که مد نظر این پژوهش است، همین نوع اخیر از هدایت است؛ زیرا از طریق این هدایت است که انسان از تباهی می رهد و به ثمر می نشیند. زمانی که هدایت را به عنوان هدف غایی در نظر گیریم مقصود این است که آدمی در هر یک از شئون خود، آن را در نظر آورد و به سوی آن راه، گام بردارد. البته همراهی خداوند در این مسیر، موهبتی است؛ اما این موهبت به افرادی عنایت می شود که در هر شأنی از شئون خود در مسیر حق (هدایت نوع اول) بپایند. بنابراین، هر گاه انسان در شئون جسمی، فکری، اخلاقی، اقتصادی و... تن به معیارهای الهی داد هدایت به عنوان هدف غایی تحقق می یابد (باقری، ۱۳۸۹: ۷۶).

#### ۲- بحث

##### ۲- ۱- اندراج اهداف واسطی در ذیل هدف غایی هدایت با تأکید بر تحلیل واژه «عسر»

در بررسی هدف و فلسفه سختی ها و مشکلات برای انسان می توان واژگانی را که ناظر بر حقیقت اصیل فعل آدمی است به منزله مفاهیم تبیین کننده عقاید کلیدی و زیربنای یک مفهوم، مشخص ساخت. بررسی واژه «سختی» در قرآن، به منزله یکی از اهداف واسطی برای دستیابی به هدف غایی «هدایت» نمونه ای از این مفاهیم است. به



عبارتی می‌توان گفت، دامنه مفهومی واژه‌های حاکی از هدف یا اهداف غایی، چنان فراگیر است که واژه‌های ناظر به اهداف واسطی در ذیل آن قرار می‌گیرد (باقری، ۱۳۸۹: ۱۸۱). در این خصوص، ارتباط مفهوم هدایت به عنوان یکی از اهداف غایی با اهداف واسطی از طریق تحلیل آیات زیر به دست می‌آید:

۱- آیه ۱۸۵ سوره بقره: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.» {این است} ماه رمضان که قرآن در آن نازل شده، قرآنی که سراسر هدایتگر مردم است و دارای دلایل روشن از هدایت می‌باشد و مایه جدایی {حق از باطل} است. پس، کسی که در این ماه {در وطنش} حاضر باشد، باید آن را روزه بدارد، و آنکه بیمار یا در سفر است تعدادی از روزهای غیر ماه رمضان را {به تعداد روزه‌های قضا شده، روزه بدارد}. خدا آسانی و راحتی شما را می‌خواهد نه مشقت شما را و {قضای روزه} برای این است که: شما روزه‌هایی را {که به خاطر عذر شرعی افطار کرده‌اید} کامل کنید و خدا را بر اینکه شما را هدایت فرموده بزرگ شمارید و نیز برای این که سپاسگزاری کنید.

بررسی و تحلیل آیه فوق حاکی از آن است که هدف غایی، همانگونه که بیان شد، هدایت انسان (متربی) است. چنانچه در این راه، سختی‌هایی جلوی روی انسان قرار گیرد، نه زمینه دلسردی و نگرانی او، بلکه زمینه هدایت او فراهم و سهل می‌شود. کاربرد واژه «هدی» در این آیه، آن هم با فراوانی سه مرتبه از جانب پروردگار که خود این سختی‌ها را زمینه هدایت معرفی کرده اهمیت این موضوع را دو چندان می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت، این آیه ناظر به جنبه دینی (عملی و فکری) است. سختی‌ها و مشقات انجام مناسک دینی که باید در آن‌ها با تأمل و تفکر و بازشناسی دلایل روشن رو به سوی هدایت کرد. هر چند که این آیه با تکیه بر وضع مطلوب حیات آدمی مبنی بر حدود روزه و احکام دینی است و به جنبه فکری (قدرت بازشناسی) و عملی (انجام مناسک {روزه داری}) تأکید دارد؛ اما با اشاره چندین مرتبه‌ای به صورت مستقیم بر بعد هدایتی قرآن، بر هدایت انسان، غایت تحمل سختی این افعال و اعمال را هدایت انسان معرفی می‌کند.

۲- آیه ۶ سوره طلاق: «أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكُنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تَضَارُوهُنَّ لِيُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمْلٌ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَارْحَمْنَ وَأَجْرُهُنَّ وَاتَّمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فِستَرْضِعْ لَهُنَّ أُخْرَى.» زنان طلاق‌داده را {تا پایان عده} به اندازه توانگری خود سکونت دارید و به آنان آسیب و زیان نرسانید تا زندگی را بر آنان سخت کنید {و آنان مجبور به ترک خانه شوند} و اگر باردار باشند، هزینه آنان را تا زمانی که وضع حمل کنند، پردازید و اگر {پس از جدایی} کودک شما را شیر دادند، اجرشان را بدهید و در میان خود {درباره فرزند} به نیکی و شایستگی مشورت کنید {تا به توافقی عادلانه برسید و در نتیجه، به حق زن و شوهر و فرزند زبانی نرسد} و اگر {کارتان در این زمینه} با یکدیگر به سختی کشید {و نهایتاً به توافق نرسیدید} زنی دیگر کودک را {باز هزینه پدر} شیر دهد.

تحلیل مفهومی واژه «عسر» در قرآن کریم به منظور تبیین هدف غایی و اهداف واسطی مرتبط با آن

نحوه تعامل و ارتباطات انسانی در آیه مذکور از اهمیت نوع سختی‌های حاکم بر زندگی زناشویی و حقوق متقابل انسانی پرده برداشته است. ضرورت موضوع زمانی هویدا می‌شود که حتی طلاق، که از منفورترین اعمال از دیدگاه پیامبر اکرم (ص) است؛ در تنگنا قراردادن شخص مقابل و متحمل کردن سختی و مشقت بر او انسانی شمرده نمی‌شود. هر آنچه از محک و معیار عقل و مشورت عبور کند و بر پایه عدل قرار گیرد می‌تواند محور اعمال انسان باشد. در این آیه نیز سختی‌ها و مشکلات جدایی همسران از یکدیگر با وجود فرزندان خود رنج‌آور است و مشقات اقتصادی بر یکدیگر رواداشتن جایز نیست. بنابراین، از جمله حقایق (آیه ۵ سوره طلاق) که خداوند برای انسان مشخص کرده، پیشه کردن تقوای الهی و دوری از گناهان است که زمینه هدایت انسان و در نهایت اجرای بزرگی برای او به ارمغان خواهد داشت.

این آیه، ناظر بر جنبه اجتماعی-عاطفی و اقتصادی است. واژه «تعاسرتم» در این آیه، بر وزن تفاعل، حاکی از جنبه ارتباط بین شخصی است که رفتار اجتماعی محسوب می‌شود. نحوه برخورد زن و شوهر حتی بعد از طلاق به گونه‌ای باید باشد که از جانب یکدیگر بر هم و فرزندان سختی و مشقت وارد نکنند. در این آیه، هدف مطلوب این است که رفتار افراد و روابط متقابل اجتماعی، مبتنی بر انسانیت باشد و حق و حقوق یکدیگر ضایع نگردد. هرچند رعایت عدل و عدالت در روابط اجتماعی و توجه به بعد عاطفی‌ای که زندگی را بر یکدیگر رنج‌آور نکنند و پرداخت مالی حقوق زن نادیده گرفته نشود مطلوب این آیه است؛ اما چنانچه در آیه قبل آمده است، رعایت این حدود، زمینه هدایت انسان را هموار می‌کند.

۳- آیه ۷ سوره طلاق: «لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا». بر توانگر است که از توانگری‌اش {همسر بچه‌دارش را در ایام عده} هزینه دهد و هر که روزی‌اش تنگ باشد، از همان که خدا به او عطا کرده هزینه دهد. خدا هیچ کس را جز به اندازه رزقی که به او عطا کرده است، تکلیف نمی‌کند. خدا به زودی پس از تنگنای در معیشت، گشایش قرار می‌دهد.

انفاق از مال و رعایت تعادل در اصول اقتصادی خانواده در اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است. چنانچه امام علی (ع) می‌فرماید: از هر دری که فقر وارد شود ایمان خارج می‌شود. ایمان نیز از ملزومات هدایت است. از این رو توجه به رزق و روزی خانواده و حتی بالاتر از آن، انفاق به دیگران، از جمله مسائل مهم و زمینه‌ساز هدایت انسان محسوب می‌شود. خداوند نیز عادل است و در این آیه و آیه قبل به رعایت عدل فرمان می‌دهد. لازم است که به اندازه آنچه دارید (توان دارید) مورد آزمون و در معرض سختی و مشکلات واقع می‌شوید و خداوند هرگز بیش از توان کسی او را بازخواست نمی‌کند؛ گو آنکه او عادلانه مهربان است.

این آیه، ناظر به جنبه اقتصادی است. این آیه، در ادامه آیه قبل که از نوع ارتباط سخن می‌گوید حاکی از تجویزهای اقتصادی از جمله هزینه همسر و فرزندان، انفاق و حدود رزق افراد است. لذا هدف مطلوب رعایت عدالت اقتصادی حتی در زمان سختی و تنگنای مالی، ناظر بر محدوده پروردگار در ارتباطات انسانی و اقتصادی توأم با عدل و عدالت است؛ اما رعایت عدالت در ورای خود هدفی والاتر دارد و چنانچه در آیه بعد (۸ طلاق)

دیده می‌شود، افرادی که از فرمان الهی روی برگردان می‌شوند به شدیدترین حالات اعمالشان محاسبه خواهند شد. از این رو، در این آیات نیز هدف غایی هدایت انسان به سمت طریق حق دیده می‌شود.

۴- سوره لیل آیه ۱۰: «فَسَيَسِّرُهُ لِّلْعُسْرَى». پس او را برای راه سخت و دشواری که سلب هرگونه توفیق از اوست آماده می‌کنیم. در ابتدای سوره، سوگند خوردن به اموری که از جانب پروردگار حائز اهمیت است دیده می‌شود. خداوند برای نشان دادن اهمیت موضوع انفاق، در ابتدای سوره به شب و روز که خود از زیبایی‌ها و عین حال عجائب خلقت هستند سوگند یاد می‌کند، لذا می‌توان فهمید مضمون آیات بعدی در خور تأمل است. از طرفی، با بیان واژه «ان»، «ف» و «و» تأکیدات بیشتر خود را برای جلب توجه به مضمون به کار می‌برد. این مضمون نیز از جهتی توجه به بحث انفاق با آیه ۷ سوره طلاق قرابت دارد که دایره شمول و گستره بیشتری را در خود جای داده است. البته بهره گرفتن از واژه تکراری «فَسَيَسِّرُهُ» در آیات با تکراری متناوب حاکی از اهمیت آیات بعد است. لذا خداوند بر کسی که بخل ورزد و احساس بی‌نیازی می‌کند و وعده نیک خدا را تکذیب کند، سختی‌هایی قرار می‌دهد؛ باشد که به واسطه این سختی‌ها و مشقات، راه هدایت بیابد. چرا که هر آنچه عزت، بزرگی و بی‌نیازی است از آن خداست و به هر کس بخواهد عزت می‌دهد و عزیز می‌گرداند. در ادامه آیه، با تأکید بر هدایت که تنها بر عهده خداست هدف این مشقات و راه بازگشت را معرفی کرده و پس از آن با انداز از عواقبی که دوری از هدایت الهی به دنبال خواهد داشت تکلیف تمام کرده و چنین سختی‌هایی را مطابق عدل الهی و برای بازگشت انسان معرفی می‌کند؛ چرا که هدف از تنبیه و مجازات نیز هدایت است (علوی، ۱۳۹۷). از این رو می‌توان گفت این آیه نیز بر بعد اقتصادی دلالت دارد. کسی که بخل ورزد و از انفاق دست شوید و به وعده خدا ایمان نداشته باشد دچار سختی‌هایی می‌شود تا زمینه هدایت و بازگشت وی به سمت خدا ایجاد شود.

۵- آیه ۲۸۰ سوره بقره: «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» و اگر بدهکار {تنگدست بود} بر شما است که {او را تا هنگام توانایی مهلت دهید و بخشیدن همه وام {و چشم‌پوشی و گذشت از آن در صورتی که توانایی پرداختش را ندارد} اگر {فضیلت و ثوابش را} بدانید برای شما بهتر است. در تکمیل مباحث انفاق و گذشت در این آیه با نگاهی اجمالی به آیه قبل می‌توان فهمید که در سختی و مشقت دیگران همیار بودن و حتی بخشش، چه بسا پاداش و فضیلت دو چندان را برای انسان به دنبال خواهد داشت، اهمیت این موضوع زمانی دو چندان می‌شود که پروردگار در آیه قبل، رباخواری را جنگ با خود و رسولش معرفی می‌کند. پس از آن (در آیات بعد)، از روزی می‌گوید که بر عده‌ای سخت گرفته می‌شود و عدل الهی بر مردم حاکم می‌شود و هیچکس مورد ظلم قرار نمی‌گیرد. چنانکه مشخص شد، واژه عدل در برابر ظلم قرار می‌گیرد. از این رو، ارتباط آیات با مفهوم و مضمون سختی رخ می‌نماید و حتی در ادامه یکی از بزرگترین آیات قرآن است

تحلیل مفهومی واژه «عسر» در قرآن کریم به منظور تبیین هدف غایی و اهداف واسطی مرتبط با آن

(آیه ۲۸۲) که از عدل الهی بحث می‌کند. در این جاست که می‌توان گفت خداوند بلند مرتبه حجت را تمام کرده است (شعرا: ۱۲۰۷-۲۰۸).

این آیه، نیز ناظر بر جنبه اقتصادی است. گذشت و بخشش، مهلت بازپرداخت بدهی و بخشش کامل در صورتی که فرد توان پرداخت ندارد آن هم زمانی که در سختی و تنگنای شدید است، موجبات خیر فراوان است. بنابراین، با پیشه کردن تقوای الهی و اعتقاد به روز حسابرسی، زمینه هدایت خود در جهت پروردگار را فراهم آورده؛ چرا که او ستمی بر انسان روا نمی‌دارد و تقوای الهی‌ای که خود حاکی از هدایت انسان است رقم می‌خورد.

۶- آیه ۹ سوره مدثر: «فَذَلِكِ يَوْمِئِذٍ يَوْمِ عَسِيرٍ» آن روز، روز بسیار سختی است. چنانچه از ابتدای سوره و آیات ماقبل برداشت می‌شود، خداوند رسولش را مخاطب این آیات قرار می‌دهد که دیگران را انداز کن، در مورد روزی که سختی‌هایی برای انسان‌ها به دنبال خواهد داشت. در این آیه هم آگاهاندن مردم طبق اصل عدل در خصوص عواقب بد کرداری نمایان می‌شود. چرا که «مقتضای عدل آن است که پیش از وقوع مجازات آگاهی کافی نسبت به آن ایجاد شود» (باقری، ۱۳۸۹: ۱۸۷)؛ در آیات بعدی، خداوند مجدد انداز می‌دهد که عواقب اعمال بر کافران آسان نیست. گویی خداوند با رجحان دادن با ذکر و انداز، حجت را بر مردم تمام می‌کند که در صورت پیروی از کافران، از مسیر هدایت فاصله می‌گیرند. از این رو کسی را می‌توان مستحق مجازات و عقوبت دانست که عالمانه و عامدانه دست به اقدام کار خطایی بزند چنانکه با انداز و دوری‌جستن از پلیدی و صبر در برابر مصائب است که روز موعده برای انسان نه مصداق سختی و مشقت که چون طعم آرامش و لذت خواهد بود.

این آیه، ناظر به بعد اعتقادی است. اعتقاد به قیامت و روزی که حسابرسی در آن بسیار سخت است. مراد از این سختی، میزان دقیق بودن سنجش اعمال و رفتار انسان متناسب با اعتقادات اوست. چه بسا این روز برای آنان که از طریق حق دوری کردند و راهی نادرست برگزیدند (کافران) و منکر وجود طریق الهی شدند، سختی بسیار به دنبال داشته باشد و این سختی‌ها، عین عدالت الهی است؛ چرا که از قبل یادآوری داده شده بود.

۷- آیه ۸ سوره قمر: «مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِيرٌ». شتابان به سوی آن دعوت‌کننده می‌روند و کافران می‌گویند: امروز روز بسیار سختی است. در ابتدای سوره با بهره‌گیری از مواهب طبیعی «قمر» (ماه) و شکافته شدن آن خبر از حادثه‌ای عظیم می‌دهد. همان روزی که در آن، کافران شتابان به سوی حق رفته و آن را روزی سخت می‌نامند. چه بسا که واژه سختی در این آیه، حاکی از نه سختی آن روز، بلکه سختی‌هایی است که به واسطه انجام ندادن فرامین الهی بر انسان مستولی می‌شود. سختی‌هایی که زمینه رشد و هدایت انسان بودند اما نادیده گرفته شدند و اکنون که موعده حسابرسی است، به واسطه متحمل نشدن چنان سختی‌هایی، لزوماً باید چنین سختی‌هایی (عقوبت انحراف از مسیر حق) به تن خرید تا در نهایت پاک گشت. در ادامه این آیات، بر ضرورت و اهمیت انداز بر مردم که چنانکه بیان شد از نشانه‌های عدل الهی است یاد می‌شود. از طرفی، تکرار آیه «فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي

۱- مَا أَعْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَمْتَعُونَ

۲- وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ

وَنذُرٍ و خود واژه «نذُر» و مشتقات آن حاکی از اهمیت و اتمام حجت خداوند است. بنابراین، می‌توان گفت اگر انسان، سختی‌های روزگار (دنیا) را تحمل نکند و بر آن‌ها صبوری و شکیبایی نرزد، چه بسا سختی‌هایی به مراتب هولناک در انتظار وی باشد.

۸- آیه ۲۶ سوره فرقان: «الْمَلِكُ يُومِدُ الْحَقَّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا» در آن روز فرمانروایی مطلق برای {خدا} رحمان ثابت است و بر کافران روزی بسیار دشوار است. در این آیه نیز به سان آیه قبل، سخن از روزی است که کافران به واسطه اعمال و رفتار خود در مشقت و سختی گرفتار شده و خودشان را عامل ظلم به خود می‌دانند (ظلم نفس)؛ چه بسا که در آیه بعد از حسرت و اسف آنان از عدم همراهی با پیامبر است که خداوند او را تذکر کننده و بیم‌دهنده فرستاده بود. سختی‌های امروز آنان از نتایج بی‌توجهی به حقیقت وجودی خویش و ظلم به نفس خویش است که گریبان‌گیر آنان شده است. قابل ذکر است که عدم پیروی از پیامبر که خود از مواهب هدایت آدمی محسوب می‌شود، گمراهی و انحراف و در نهایت، حسرت کافران را در آن روز در پی خواهد داشت. این آیه، بر جنبه اعتقادی و عملی دلالت دارد. اعتقاد به روز قیامت و برگرفتن توشه‌ای در دنیا و آماده‌سازی خود برای آن روز حد مطلوب این آیه است؛ اما رسیدن به این بینش نیازمند ایمانی است که از لوازم هدایت‌یافتگی آدمی است.

۹- سوره توبه آیه ۱۱۷: «لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» مسلماً خدا رحمت ویژه‌اش را بر پیامبر و مهاجرین و انصار که در آن ساعت دشوار {جنگ تبوک} از او پیروی کردند ارزانی داشت، پس از آن نزدیک بود دل‌های گروهی از آنان {به سبب سختی مسیر جنگ از حق} منحرف شود {و از ادامه مسیر حق باز ایستند و به مدینه برگردند} سپس خداوند توبه آنان را پذیرفت؛ زیرا خدا نسبت به آنان بسیار رئوف و مهربان است. گشودن راه توبه از مصادیق اصل فضل است (باقری، ۱۳۸۹)؛ در این آیه، خداوند متعال با هموار کردن راه توبه موجبات هدایت را برای انسان فراهم می‌کند، به گونه‌ای که می‌توان گفت مصداق توبه هدایت و توفیق است (باقری، ۱۳۸۹: ۱۶۶) و خداوند بر بنده‌ای که در شرایط سخت به او و وعده‌هایش پشت کرده بازگشت می‌کند تا با رسیدن به فهمی از زشتی عمل خود موجبات هدایت او را فراهم آورد و با روی آوردن به سوی توبه قبول مشمول رحمت پروردگار شود. از این رو می‌توان گفت در بحبوحه سختی‌ها و مشکلات این امکان وجود دارد که آدمی خسته و ملول از رنج و تعب، آن هم به واسطه عمل خویش و عدم پیروی از حق دچار اشتباه و چه بسا گناه شود، باری بر خود نهب زند و از گناه روی برگرداند تا نه تنها مشمول رحمت پروردگار واقع شود؛ بلکه به سوی هدایت او گام نهد.

چنانکه مشخص گردید این آیه ناظر به بعد عملی و اعتقادی است. اعتقاد به رحمت و حکمت الهی و کمک و مدد‌های آتی وی در مسیر دشوار زندگی قلب معرفت‌یافته را آرام می‌کند و مانع از انحراف می‌شود. پیروی از حق نیز خود مصداق انسان هدایت‌یافته است. تاثیرات چنین تربیت‌یافتگی‌ای در بنیه فکری و اعتقادی و در عمل فرد مشاهده می‌شود. در این آیه نیز توبه حد مطلوبی است که بدان اشاره شده است؛ اما قبل از این آیه (آیه ۱۱۵)

تحلیل مفهومی واژه «عسر» در قرآن کریم به منظور تبیین هدف غایی و اهداف واسطی مرتبط با آن

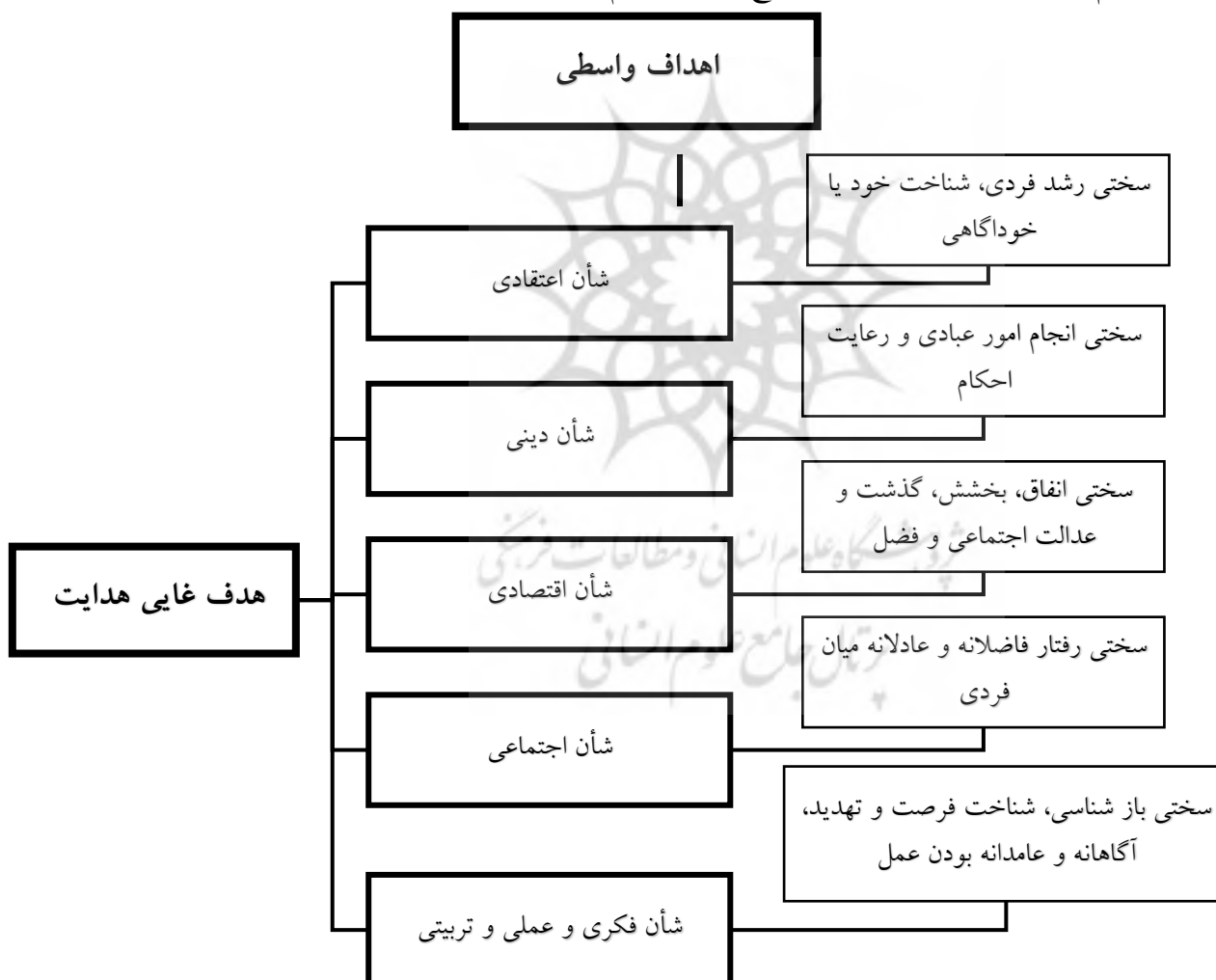
خداوند از هدایت گروهی سخن می‌گوید که گمراه نمی‌شوند مگر آنکه از دستور الهی سرپیچی کنند. بنابراین توبه نیز در ذیل هدایت انسان قرار می‌گیرد.

۱۰- سوره انشراح آیات ۵-۶: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا. إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» بی‌تردید با سختی آسانی است. {آری} بی‌تردید با سختی آسانی است. ابتدای سوره با پرسش در خصوص آشکارسازی راه حق و هدایت آغاز می‌شود. اهمیت پرسش و پرسشگری از آن جهت است که انسان (متربی) را وادار به تفکر کرده و این سوالات همچنان در آیات بعدی ادامه می‌یابد تا از ضرورت موضوعی سخن گوید. در این دو آیه، پروردگار با مددجستن از واژگانی چون «فَإِنَّ» و «إِنَّ» تأکید بر همجواری سختی و آسانی دارد. از طرفی، تکرار آیه به صورت متوالی و پیوسته با مضمونی واحد، حاکی از اهمیت موضوع گوینده و لزوم تکرار و تذکر برای شنونده دارد. در این آیات، مجاورت واژه «مَعَ» با «الْعُسْرِ» و «يُسْرًا» نشان می‌دهد هرچند در ظاهر سختی و مشقاتی بر شما متحمل می‌شود، اما این سختی‌ها چیزی جز زمینه‌های آرامش و آسانی و عاقبت خوش را به همراه نخواهد داشت؛ بنابراین در این آیات، پروردگار به بهترین وجه ممکن سختی‌ها را عاملی برای رفعت و هدایت می‌داند تا انسان، مشتاقانه، رو به سوی هدایت قدم نهد. می‌توان گفت این آیات ناظر به جنبه دینی است. دشواری انجام امور دینی و مصائب و سختی‌هایی که پیش روی انسان است هدفی جز روی کردن به طریق حق و حقیقت نیست.

۱۱- آیه ۷۳ سوره کهف: «قَالَ لَا تُؤَاخِذُنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا» گفت مرا بر آنچه از یاد بردم، مؤاخذه مکن و در کارم سخت مگیر. با مراجعه به آیات و صورت داستانی و پیوسته آیات در این قسمت می‌توان گفت در آیه ۷۲ بر اهمیت و ضرورت صبر و شکیبایی بر رخدادهایی که به واسطه علم اندک و ناآگاهی از حقایق و حکمت رخدادهاست، آشکار می‌شود. در این آیه، موسی از خضر درخواست می‌کند که به دلیل عدم صبوری وی، بر او سخت نگیرد و اجازه همراهی را به او بدهد. موسی با علم به آنکه این همراهی، زمینه هدایت او را فراهم می‌کند، چنین درخواست و خواهشی دارد؛ اما این در حالی است که بارها خضر بر عدم صبوری و شکیبایی موسی تذکر داده است. لذاست که در عرصه تربیت و در مقام تعلیم و تربیت متناسب با این آیه می‌توان گفت متربی (انسان) در کلاس درسی به وسعت عالم آفرینش قرار دارد که چه بسا حکمت و علم وقوع برخی حوادث و رخدادها را در زندگی خود نداشته باشد. متربی در مواجهه با سختی‌ها و مشقات تاب و شکیبایی پیشه نکرده و ممکن است خطا کند. سخت‌نگرفتن بر ناآگاهی متربی و فرصت‌دادن به او برای جبران، از اهم وظایف مربی است. مربی چنانکه در بالا اشاره شد زمینه لازم هدایت متربی را فراهم می‌آورد و با قبول توبه، از او فرصت مجدد به او می‌دهد تا در صدد رفع خطا و اشتباه خود برآید.

این آیه ناظر بر بعد عملی و تربیتی است. محدوده مطلوب این آیه در مقام تربیت این را می‌طلبد که گاهی درخواست متربی بلافاصله اجابت می‌شود تا وی طعم موفقیت را بچشد، گاهی درخواست به تعویق می‌افتد تا وی صبر و شکیبایی بیاموزد و گاهی لازم است با عدم اجابت درخواست، شکست را تجربه کند؛ لکن باید توجه داشت که تمام این تشویق و تنبیهات هدفی و نگرانی دارد و آن هم هدایت متربی است.

با توجه به آنچه بیان شد، مشخص می‌شود که اهداف واسطی یا میانی تربیت آدمی متناسب با واژه «عُسْر» هر یک به گونه‌ای ناظر بر بعدی از حیات آدمی است که این جوانب، هر کدام رو به سوی وضعی نهایی و غایی در پیش هستند و چون غایت همه آن‌ها قدم‌نهادن در مسیر حق یا «هدایت» است؛ می‌توان گفت دامنه مفهومی واژه «هدایت» چنان گسترده است که فرجام همه این ابعاد را در ذیل خود قرار می‌دهد. پس باید گفت مفهوم «هدایت» ناظر بر وضعی در آدمی است که وی در آن چنان نسبت به خداوند متوجه و هوشیار می‌شود که از هر انحراف و گمراهی دور شده و سختی‌های پیش روی خود را عاملی برای رشد و هدایت دانسته و هیچگونه انحرافی در هیچ عرصه‌ای از حیات نمی‌تواند جلودار فرد در این مسیر باشد. درک این معنا که سختی و مشکلات نازل شده از جانب پروردگار هر یک امتحان و تمرینی است برای دستیابی به آن هدف والاتر خود منجر به «پیمودن» مسیر حق می‌شود. بر این اساس مفاهیم حاکی از هدف‌های واسطی مندرج در ذیل مفهوم هدایت به صورت زیر خواهند بود:



### ۳- نتیجه گیری

خداوند متعال، انسان را در سختی‌ها و مشکلات خلق کرده‌است. این سختی‌ها و مشکلات قابلیت شکوفا کردن استعدادهای فطری انسان و رساندن او به مدارج بالای کمال را دارد. واژه «عسر» در قرآن به عنوان یکی از مفاهیمی است که با مضمون سختی، مشکل، مصیبت، آزمایش و... بارها در آیات متعدد بیان شده است. نتایج پژوهش، حاکی از آن است که هدف حقیقی سختی‌هایی که خداوند پیش‌روی انسان قرار می‌دهد چیزی جز هدایت و زمینه‌سازی برای بازگشت او به سوی خویشتن نیست؛ بنابراین هدایت انسان و زمینه‌سازی در مسیر هدایت قرار گرفتن انسان به عنوان هدف غایی تربیت است. تحلیل مفهومی و زبانی آیاتی که واژه عسر در آن به کار رفته نشان می‌دهد این واژه در آیات متعددی طی ارتباط اندراجی با شئون مختلف اعتقادی، دینی، اقتصادی، اجتماعی و عاطفی و شأن فکری و عملی و تربیتی به عنوان اهداف واسطی در ذیل مفهوم هدایت قابل تبیین است.

### فهرست منابع

- قرآن کریم (ترجمه قرآن بر اساس میزان)، (۱۳۸۵)، ترجمه سید محمد رضا صفوی، قم: معارف.
- قرآن کریم (۱۳۸۹)، ترجمه حسین انصاریان، چاپ اول، قم: آیین دانش.
- نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- صحیفه سجاده، امام زین العابدین (علیه السلام) - همراه با مناجات خمس و رساله حقوق (۱۳۸۹)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. تهران و قم: علویون.
- اکبریان، سید محمد و سوری، محمد (۱۳۹۵)، «نقد و بررسی مساله رنج در نظریه معنویت و عقلانیت»، فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه و الهیات، سال بیست و یکم، شماره ۳، صص ۷۷-۹۷.
- اکسترام، لوراوادل، (۱۳۹۷)، «رنج به مثابه تجربه دینی»، ترجمه میشل آقامالیان، دو فصلنامه علمی تخصصی الهیات، سال اول، شماره ۱، صص ۷۷-۹۵.
- باقری، خسرو، (۱۳۸۹)، **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، جلد اول، چاپ بیست و دوم، تهران: مدرسه.
- باقری، خسرو؛ سجاده، نرگس و توسلی، طیبه (۱۳۸۹)، **رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت**، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- توماس، مور (۱۳۹۸)، **مراقبت از روح - راهنمای پرورش معنا در زندگی روزمره**، تهران: علمی.
- حاجی‌بابایی، حمیدرضا، (۱۳۹۴)، «راهبرد تربیتی آزمایش الهی در قرآن»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تفسیری، سال ۶، شماره ۲۳، صص ۱۴۱-۱۵۸.
- دوباتن، آلن (۱۳۹۸)، **معماری شادمانی**، ترجمه پروین آقایی. تهران: ملاحظه.
- دورزن، امی فان (۱۳۹۶)، **روان‌درمانی و جستجوی شادکامی (بر مبنای چشم‌انداز وجودی)**، ترجمه احمد رضا کیانی و یاسمن جمشیدیان، تهران: ارجمند.
- دیوان، مگان. (۱۳۹۹). **دل‌م می‌خواهد اندوهگین باشم**. ترجمه آزاده مسعودنیا. تهران: گویا.



- رستمی نسب، عباسعلی (۱۳۸۸)، **فلسفه تربیتی ائمه اطهار (ع)**، چاپ اول، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- رودگر، محمدجواد (۱۳۸۹)، «نقش دین در رنج‌زدایی و کاهش آلام بشری (با رویکردی به آثار استاد شهید مطهری)»، قبسات، سال پانزدهم، ۱۱۳-۱۴۰.
- سلیمانی، جواد (۱۳۹۱)، «تأملی در فلسفه سریان سنت آزمایش از دیدگاه قرآن»، فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال نهم، شماره ۳۲، صص ۷۷-۹۲.
- شریفی، علی و رضایی مهدی، (۱۳۹۸)، «راهبرد قرآن کریم و روایات در کاهش رنج بشری»، فصلنامه معارف قرآنی، سال ۹، شماره ۳۵، صص ۶۸-۹۷.
- صالحی، اکبر (۱۳۹۴)، «فلسفه آزمایش و ابتلا در قرآن و روایات و نقش سازندگی آن در تربیت انسان»، دو فصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، شماره دوم، صص ۹۷-۱۱۲.
- علوی، سیدحمیدرضا، (۱۳۹۱)، **نکات اساسی در فلسفه تعلیم و تربیت و مکاتب فلسفی - تربیتی**، چاپ دوم، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر.
- علوی، سیدحمیدرضا، (۱۳۹۲)، **رهایی از ناآرامی (راهنمای عملی افزایش آرامش و کاهش نگرانی)**، چاپ اول، قم: بوستان کتاب.
- علوی، سید حمیدرضا، (۱۳۹۶)، **تعالیم تربیتی و روان‌شناختی قرآن کریم (جزء‌های بیست و یکم تا پایان سی ام)**، چاپ اول، تهران: آوای نور.
- علوی، سید حمیدرضا. (۱۳۹۷). **تربیت در قرآن و نهج البلاغه**، چاپ دوم، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر.
- فرانکل، ویکتور، (۱۴۰۰)، **آری به زندگی در کشاکش ناملايمات**، (ترجمه ضحی حسینی نصر)، چاپ اول، تهران: گوتنبرگ.
- گرامی، غلامحسین (۱۴۰۰)، «بررسی و نقد نظریه رنج‌مندی انسان با تاکید بر تحلیل آیه چهارم سوره بلد»، دو فصلنامه علمی انسان پژوهی دینی، سال هجدهم، شماره ۴۵، صص ۲۹-۴۹.
- مجتبی، مریم و علی‌زمانی، امیرعباس (۱۳۹۱)، «رنج، ایمان و معنا از دیدگاه داستایفسکی»، مجله فلسفه و کلام اسلامی، شماره یکم، سال ۴۵، صص ۱۷۱-۱۹۷.
- محمودی، حسین و دادبه، اصغر (۱۳۹۱)، «رنج از دیدگاه مولانا با نگاهی به مساله شر، پژوهشنامه فلسفه دین (نامه حکمت)»، سال یازدهم شماره دوم، پیاپی ۲۲، صص ۱۶۳-۱۸۸.
- مگان، دیواین (۱۳۹۹)، **دل‌م می‌خواهد اندوهگین باشم**، ترجمه مسعود.

---

تحلیل مفهومی واژه «عسر» در قرآن کریم به منظور تبیین هدف غایی و اهداف واسطی مرتبط با آن

---

موسوی، سیدمحمدحسین؛ قرایی، فیاض؛ رستمی، محمدحسن و سید موسوی، سیدحسین (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی ماهیت دنیا و پیوند آن با رنج در اسلام و آیین بودا»، فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۹، شماره ۳۳، صص ۱۹۳-۲۱۲.

هالیس، جیمز (۱۳۹۶)، **یافتن معنا در نیمه دوم عمر**، ترجمه سید مرتضی نظری، چاپ ششم، تهران: بنیاد فرهنگ زندگی.

Black, H.K. (1999), Poverty and Prayer: Spiritual Narratives of Elderly African-American Women , Review of Religious Research, 40 (4), 359-374.

Albaugh, J. A. (2003), Spirituality and Life-Threatening Illness: A Phenomenological Study, Oncology Nursing Forum, 30 (4), 593-598.

Halldórsdóttir, S. (1992), Suffering- Reflection. International journal for Human caring, 3 (2),15-20

Bernarding, J.C. (2001), The journey to peace: Reflections on faith, embracing suffering, and finding new life. NewYork: Doubleday.

